



۲۰۱۷/۱۲/۰۱

محمد عارف عزیز گذرگاه

## کابل در گذرگاه تاریخ

### به قلم مرحوم پوهاند داکتر عبدالاحمد جاوید

تهیه و انتخاب از عارف عزیز  
قسمت اول

❖ آیا مراد از کابل همان (کاه) و (پُل) است؟

❖ کابل در شعر شاعران چگونه بازتاب یافته است؟

سمپوزیم تحقیقی و علمی تحت عنوان "کابل در گذرگاه تاریخ" در ماه جدی سال ۱۳۶۶ هجری شمسی (۱۹۸۷ میلادی) در شهر کابل دایر گردیده بود.

مرحوم پوهاند دوکتور جاوید که یکی از اشتراک کنندگان این سمپوزیم بود در اینجا حرف های جالبی دارد در باره وجه تسمیه کابل از نظر فلکلور، تاریخ و ادب.

#### معلومات مختصر در باره کلمه (سمپوزیم):

لفظ سمپوزیم (Symposium) که از لاتین و یونانی به زبانی های اروپایی راه یافته، مرکب از دو جزء است. جزء اول آن یعنی سن (Syn) به معنی یکجا و باهم، و جزء دوم یعنی پوزس (Posis) به معنی آشامیدن و نوشیدن است. در یونان باستان بزم و دعوتی را که با بانگ و نوشانوش و موسیقی و صحبت های روشنفکرانه همراه می بود سمپوزیم می گفتند. بعد هر مجلس و مجمعی را که در آن افکار و عقاید به صورت آزادانه بیان می شد، سمپوزیم نامیدند. همچنین کلمه سمپوزیم به کنفرانس هایی اطلاق می شود که در آن موضوعات خاصی مورد مباحثه قرار گیرد. کلمه سمپوزیم را برای مجموعه عقاید و مقالاتی که در باره موضوع معین اظهار و نوشته شده باشد، نیز به کار می برند. به طور کلی این کلمه وسیع تر از لفظ سیمینار است که به جمعیتی از طالبان علم که به تحصیلات عالی اشتغال دارند و همچنین به محلی که چنین اجتماعی در آن برگزار می گردد استعمال می شود.

## وجه تسمیه کابل :

- وجه تسمیه کابل را از نظر فولکلوری، تاریخی و هم شاعرانه می توان بدین ترتیب بیان کرد:  
در فولکلور و فرهنگ عامیانه ما برای کابل وجه تسمیه های مختلف آورده اند. از آن جمله یک روایت چنین است که کابل شهری بوده به شکل تالاب که در وسط خود جزیره یی داشت. مردم این جزیره همه اهل موسیقی و طرب بودند. روزی پادشاهی که از کنار این آب ایستاده می گذشت از شنیدن ساز و آواز و صدای هلله و شادی چنان سرمست شد که به فکر تسخیر شهر افتاد و فوراً دستور داد که صد ها خرمن گاه بیاورند و پُلی بسازند. چنان کردند و شاه با لشکریانش از روی این پُل عبور کرد و شهر را فتح کرد و آن را (گاه پُل) نام گذاشت که بعد کابل شد. شاعر تیره چشم و روشن ضمیر ما ابراهیم خلیل در یکی از منظومه های خود به نام (کابل اساطیری) این روایت را به نظم آورده و در پایان چنین میگوید :

بدین سان چو ز گاه پُل ساختن      به وصل فریقین پرداختند  
ره آمد و رفت شان باز شد      به همدیگر آمیزی آغاز شد  
شدی "گاه پُل" آن نوین رهگذر      به نزد همه شهر زین رهگذر  
مگر بعد اندک زمان "گاه پُل"      بدل شد به کابل در افواهُ کُل

بالاخره شاه فاتح، این شهر را پایتخت خود ساخت و برج و باره ای بر آن کشید و دیوار های شهر را آباد کرد و مردم را به محلی به نام خرابات انتقال داد. چون صحبت از شادمانی و سرشاری مردم کابل شد. یک نکته را باید تذکر داد که ساکنان شهر کابل به این صفت از قدیم معروف بودند. چنانچه سید علی کاتبی معروف به رئیس دریا سالار تُرک در سال ۹۶۴ هجری قمری در سفر نامه خود به نام مرآة المالك که خود مدتی در عهد همایون فرزند بابر در کابل زیسته می نویسد "مردم شهر همیشه با نشاط و عشرت و شادی به سر می بردند".  
روایت دیگر اینست که در این شهر واحد پولی، گاه بود. یعنی در خرید و فروش، گاه را به عنوان پول به کار می بردند. از این بابت به (گاه پول) معروف شد که بعد کابل گردید. قاسم گاهی کابلی ظاهراً در انتخاب تخلص خود گذشته از تعبیر شاعرانه آن گویا نظری هم به این وجه تسمیه داشته، آنجا که گوید:

"گاهی" تو بلبل چمن آرای کابلی

زاغ و زغن نه ای که به هندوستان شوی

در زبان ما لفظ گاه و پر گاه کنایه از ناچیزی و بی مقداری هم است. از همین بابت است که گفته اند که چون پول به قدر گاه در بازار پُر متاع کابل ارزش نداشته، آن را (گاه پول) گفته اند که بعد کابل شده، تقریباً مثل ارزش و قدرت خرید پول در بازار امروز. میوه فروش ناخوان و شاعر شیرین بیان "ولی طواف کابلی" در باره خرچ کابل چنین گفت:

## اهل کابل به خرچ مشهور است

### خرچ کابل ز شهرها زور است

روایت دیگر که آن را (الکساندر برنس) در سال ۱۸۳۴ میلادی از زبان مردم کابل نقل کرده این است که مردم این نواحی خود را از اولاد حضرت نوح علیه سلام می دانند. دو فرزند حضرت نوح به نام های قابیل و هابیل بر سر نام گذاری این شهر اختلاف پیدا کردند. هر کدام می خواست نام خود را بر آن بگذارد. بالاخره به این نتیجه و موافقه رسیدند که یک - یک هجا از نام هر دو را بگیرند و شهر را بدان بنامند. چنانچه (قا) را از قابیل و (بل) را از هابیل گرفتند و از آن قابل و یا کابل درست کردند.

بابر شاه درانی، شاه پُر آوازه و خوش ذوق کابل و فاتح هند، در تزک خود آورده است که در جنوب بالاحصار مزار قابیل بنیان گذار کابل را زیارت کرده است.

روایت دیگر چنین است که شاه اثور در حدود ۷۷۰ قبل از میلاد این شهر را بنیاد نهاد و آن را به مقابله و مقارنه بابل، کابل نام گذاشت. لفظ (کو Ku) در زبان سیتی، هو (Hu) در زبان آشوری، سو (Su) در زبان ترکی و چو (Chu) در زبان تبتی به معنی آب است. پس کابل از (کو) و (بل) که (کو) به معنی آب و (بل) به معنای دروازه یا باب است، ترکیب یافته، یعنی گذرگاه آب، آب خیز و نظایر آن.

حال می پردازیم به وجه تسمیه کابل از نظر تاریخی و زبانشناسی:

در متن های تاریخی و ادبی ما شهر باستانی و داستانی کابل به عنوان دروازه هند، نگین خراسان و امثال آن یاد شده و هم این شهر را به این صفات یاد کرده اند: کابل جنت تقابل، کابل بهشت آیین، خطه جنت نظیر و نظایر این ها. علامه اقبال می گوید:

### شهر کابل خطه جنت نظیر

### آب حیوان از رگ تاکش بگیر

همچنان در این شعر شاه شجاع درانی که گویا آن را در زمان تبعید در هند سروده، کابل به نام (جنت وطن) یاد شده:

باز هوای چمنم آرزوست      جلوه سرو و سمنم آرزوست

گرمی هدم دل و جان را بسوخت      کابل جنت وطنم آرزوست

پایان قسمت اول

ادامه دارد

\*\*\* \*\*

این هم تحفه ناشر به دوستداران کابل عزیز. از طبع رسای جناب محمد کریم شیون

## دیشب به یاد کابل زیبا گریستم

دیشب به یاد کابل زیبا گریستم  
دیگر نمانده حوصله گفت و گو بمن  
چون شمع، عاشقانه سراپا گریستم  
دیشب دلم بیاد وطن نوحه سر نمود  
بر خود پرست مردم دنیا گریستم  
آهو صفت رمیده ام از مردمان دهر  
تا صبحدم نشستم و دریا گریستم  
دیروز دل بخاطر امروز میگریست  
بیرون شدم ز شهر، به صحرا گریستم  
امروز هم به خاطر فردا گریستم  
شد خانه کربلا، به آنجا گریستم  
"شیون" به کربلای وطن گریه میکند

\*\* \* \*\*

اهدا به "عاشق افغانستان" برادر دانشمند ولی احمد نوری

محمد کریم شیون

